

یادنام ...

احوال قوام‌الدین خواند:

تو کار زمین را نکو ساختی / که با آسمان نیز پرداختی؟! (علیشیر نوایی، ۱۲۴ و ۳۱۴؛ خواندمیر، ۱۴/۴)

مؤلف حبیب‌السیر، قوام‌الدین را «قدوة مهندسان زمان و معماران دوران» (خواندمیر، ۱۴/۴)، صاحب مطلع سعدین «وی را اعجوبه روزگار و نادره اعصار» (سمرقندی، عبدالرزاق، ۱، ۲، ۴۸۳) و مؤلف تذکره‌الشعرا «در مهندسی و طراحی و معماری» او را جزو چهار هنرمند بی‌نظیر عهد شاهرخ تیموری به حساب آورده است (سمرقند، ۳۴۰).

از زندگی قوام‌الدین قبل از سال ۸۰۷ق. اطلاعی در دست نیست. برای نخستین بار حافظ ابرو از مشارکت وی به همراه خواجه‌علی حافظ تبریزی در ساخت مدرسه و خانقاه شاهرخ تیموری در هرات خبر داده است. با توجه به اینکه شاهرخ در ۸۰۷ق. که سال آغازین حکومتش بود، کار ساخت بنای مدرسه و خانقاه و دیگر اماکن هرات را صادر کرد (حافظ ابرو، ۸) و ساخت مدرسه و خانقاه در سال ۸۱۳ق. به اتمام رسید، احتمالاً در این عهد قوام‌الدین از شهرت خاصی برخوردار بوده که ساخت عمارت مهمی چون خانقاه و مدرسه هرات به دستور حاکم تیموری به وی محول گردیده است (گلچین عارفی، ۸۰).

پس از آن اگرچه ممکن است ساخت بناهای مهم دیگری در هرات و نقاط دیگر بر عهده وی گذاشته شده باشد، ولی مهم‌ترین بنای ساخت وی، مسجد گوهرشاد در جنوب بقعه مطهر حضرت رضاع (ع) در مشهد رضوی است. او ساخت این بنا را در سال ۸۲۱ق. به اتمام رساند. این مطلب در انتهای کتیبه حاشیه ایوان مقصوره مسجد با خط بایسنغر تیموری، فرزند گوهرشادخانم، کتابت شده است. در این کتیبه از وی با عنوان «قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی طیان» یاد شده است (پیمایش).

اگرچه ممکن است قوام‌الدین شیرازی عمارت چهارباغ مشهد را -که در عهد شاهرخ تیموری در جنوب غرب حرم مطهر رضوی به پایان رسید- معماری کرده باشد، ولی در منابع اشاره‌ای به این امر نشده است. خواندمیر در شرح احوال قوام‌الدین آورده است: «از جمله آثار آن استاد نادره کار در دایر السلطنه هرات عمارات عالیاب مهد مهدعلیا گوهرشادآغاست» (خواندمیر، ۱۵/۴) منظوری از عمارات، مدرسه و مسجدی بیرون شهر هرات، در شمال آن است که گوهرشاد (فوت: ۸۶۱ق) دستور ساخت آن را داد. ظاهراً قوام‌الدین اثر سال ۸۲۰ق. همکاری خود را در ساختمان مسجد و مدرسه گوهرشاد در شمال هرات آغاز و تا ۸۴۱ق. آن را تکمیل نمود (سیدی، ۴۴۱).

نادره اعصار

استاد قوام‌الدین طیان شیرازی

(۸۴۲ق)

سیدحسن حسینی*

قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی، مشهور به «طیان»، اثر معماران برجسته عهد شاهرخ تیموری (ح: ۸۰۷-۸۵۰ق) و معمار مسجد گوهرشاد است. وی در اصل از اهالی شیراز بود. از سال تولدش اطلاع دقیقی در دست نیست. پس از تحصیل مقدمات علوم، در بنایی، معماری و طیانی-که کار با گل و نوعی مهارت در گچ‌بری و تزیین منازل با گل و برگ بود- شهرتی به هم رسانید. حافظ ابرو در حق وی گفته: «در صنعت طیانی واحد ماله ثانی است» (حافظ ابرو: ۱۰).

قوام‌الدین در علم نجوم نیز تبحر داشت. نقل است شاهرخ تیموری به خاطر یکی از عمارات از استاد رنجیده خاطر شد و مدت یک سال اجازه نداد که وی به حضورش شرف‌یاب گردد. پس از مدتی قوام‌الدین تقویمی استخراج کرد و به وساطت برخی و زرا و امرکان دولت، آن را نزد شاهرخ برد. شاه تبسمی کرد و این بیت را فی‌البداهه در

* کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر گروه تراجم و انساب بنیاد

پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

hoseyny.darrud@gmail.com



خوافی، ۱۱۴۳/۳). عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶ - ۸۸۷ ق.). نیز همین تاریخ را تأیید کرده است (سمرقندی، ۲ ب ۱، ۴۸۳) ولی مؤلف تاریخ حبیب‌السییر آن را در اول شعبان ۸۴۴ ق. ثبت کرده است (خواندمیر، ۴/۱۵). به نظر می‌رسد با توجه به تقدّم زمانی منبع، گفته خوافی صحیح است. این احتمال دور از ذهن نیست صاحب حبیب‌السییر نیز همان تاریخ ۸۴۲ ق. را ثبت کرده باشد، ولی در استنساخ این اشتباه توسط کاتبان رخ داده باشد.

منابع:

حافظ ابرو. (۱۳۴۹). جغرافیای حافظ ابرو (ربع خراسان هرات). به کوشش مایل هروی. بنیاد فرهنگ ایران.
خواندمیر. (۱۳۶۲). غیاث‌الدین بن همام، تاریخ حبیب‌السییر. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. چاپ دوم. کتابفروشی خیام
سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعراء. تصحیح ادوارد براون. چاپ اول. تهران. اساطیر.
سمرقندی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ اول. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
سیدی، مهدی و دیگران. (۱۳۸۶). مسجد و موقوفات گوهرشاد. چاپ اول. قم. کومه.
فصیح خوافی، احمد. (۱۳۸۶). مجمل فصیحی. تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی. چاپ اول. تهران. اساطیر.
گلچین عارفی، مهدی. استاد قوام‌الدین شیرازی معمار افسانه. گلستان هنر. شماره ۱۶. تابستان ۱۳۸۸ ش.
گلمبک لیزا، ویلبر دونالد نیوتن. (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور.
نوائی، امیرعلیشیر. (۱۳۶۳). تذکره مجالس النفایس. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. چاپ اول. تهران. کتابفروشی منوچهری.

از دیگر بناهای شهر هرات که ممکن است قوام‌الدین در ساخت آن همکاری داشته باشد، عمارت گازرگاه و مقبره شیخ‌عبدالله انصاری است که شاهرخ در سال ۸۲۹ ق. تصمیم به آبادانی آن گرفت. این بنا هرچند در سال ۸۹۸ ق. در جریان سیل آسیب دید و مجدداً به دست امیرعلیشیر نوایی تعمیر شد، ولی بنای اصلی باقیمانده شبیه به عمارت ساخت قوام‌الدین است و برخی ساخت آن را به قوام‌الدین نسبت داده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۴۲۴؛ گلچین عارفی، ۸۱).

از دیگر بناهای ساخت قوام‌الدین که باید آخرین آنها توسط وی باشد، ساختمان مدرسه خرگرد در چهار کیلومتری خواف، در روستای خرگرد است. این بنا به دستور خواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی، وزیر شاهرخ تیموری، در سال ۸۴۸ ق. به پایان رسید. با توجه به اینکه قوام‌الدین شیرازی در سال ۸۴۲ ق. درگذشته، (فصیح خوافی، ۱۱۴۳/۳) بنای مدرسه، پس از او به وسیله برادرش، غیاث‌الدین، به اتمام رسیده است (میر، ۵۹۱/۱). این موضوع در کتیبه ایوان جنوبی مدرسه چنین آمده است: «بنت هذه المدرسة المبارکة الغیاثیه علی يد العبد المرحوم استاد قوام‌الدین شیرازی و تمت بعمل العبد استاد غیاث‌الدین شیرازی» (گلچین عارفی، ۸۲)

شواهد حاکی از آن است که استاد قوام‌الدین در زمان ساخت مدرسه خرگرد در این روستا از دنیا رفته است. امر جزئیات علت مرگش اطلاعی در دست نیست؛ اما مدفنش در بیابان‌های روبروی مدرسه موجود است (سیدی، ۴۵۹). در خصوص سال درگذشت استاد قوام‌الدین، در منابع اندک اختلافی وجود دارد. فصیح خوافی (۷۷۷ - ۸۴۵ ق.) که معاصر قوام‌الدین بوده و او را می‌شناخته، فوت وی را روزی شنبه اول شعبان ۸۴۲ ق. نوشته است (فصیح

پاپاریان و مجلات خارجی عکاسی نیز می‌پرداخت (همان). آیریا طی قرارداد شماره ۱۴۱۶۹ در تاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۲۱ با آستان قدس رضوی، به منظور تهیه عکس اثر آثار نفیس خزانه و موزه آستان قدس رضوی و همچنین زوایای مختلف اماکن متبرکه، نماهای داخلی و خارجی حرم مطهر و کتب خطی کتابخانه، به عنوان عکاس رسمی آستان قدس رضوی منصوب گردید (مخزن اسناد آستان قدس رضوی، شماره اموالی ۲/۲۷۲۵۱). و این همکاری تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت.

آیریا اولین شخصی بود که در مشهد با نورپردازی در آتلیه عکس گرفت و در دوران طولانی عکاسی اش اثر دوربین‌های آپلانات، آناستیگمات، خرایس و لایکا استفاده نمود. آیریا در طول دوره عکاسی خود حدود صد هزار نگاتیو گرفته که بخشی از عکس‌هایش در مجلات آستان قدس منتشر و برخی دیگر در بین آلبوم‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی بنیاد مستضعفان تهران نگهداری می‌شود. او اولین عکس رنگی را با آموزشی که در تهران از آقای افتخار و انوشهر گرفته بود، در حدود سال ۱۳۳۰ در مشهد منتشر کرد (ترابی، ۶۳).

از اقدامات آقای آیریا می‌توان به تأسیس واحد سمعی بصری دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۸ همزمان با ریاست دکتر سامی راد، ایجاد واحد فیلم‌تک کتابخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۵۱، تهیه عکس از آثار و اشیای گرانبهای موزه آستان قدس و کاشی‌کاری‌های عصر سلطان سنجر و تهیه میکروفیلم‌های کتاب‌های کتابخانه ملک در تهران، اشاره نمود (همان، ۶۱).

آیریا علی‌رغم تجربیات گرانبهایش در زمینه عکاسی، بعدها حرفه عکاسی را رها نمود و به فروش کالای عکاسی و سپس کالای طبی مشغول شد. از شاگردان او می‌توان به محمد صانع، مسئولین عکاسی‌های هنر، اونیورسالت و آپادانا اشاره نمود (همان، ۶۳).

آیریا سرانجام در سال ۱۳۷۴ داسر فانی را وداع گفت و فرزندان‌ش بعد از فوت او طبق وصیت پدرشان نگاتیوها و عکس‌هایش را در اختیار آستان قدس قرار دادند (همان، ۶۳؛ طلایی، ۳۳۲/۴).

منبع

ترابی، نسرین (۱۳۸۳). عکاسخانه ایام (گزیده‌ای از تاریخ عکاسی مشهد). تهران: کلهر.
طلایی، زهرا (۱۳۸۷). دفتر اسناد. شش جلد. مشهد. ساخرمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
مخزن اسناد. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

علی آیریا

عکاس مخصوص آستان قدس رضوی

(۱۲۹۳-۱۳۷۴ ش)

ابوالفضل زارعی*



علی آیریا در سال ۱۲۹۳ ش. در شهر یزد دیده به جهان گشود. از همان دوران نوجوانی به عکاسی علاقه‌مند شد و در سال ۱۳۰۷ فعالیت در این عرصه را آغاز کرد. پس از اتمام تحصیلات سال سوم دبیرستان، ابتدا در عکاسی ادیسون شروع به فعالیت نمود و سپس در فاصله سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۳ با همکاری حسن پیما، عکاسی پیما را در مشهد تأسیس کرد (ترابی، ۶۱). اما این همکاری به خاطر مرگ زود هنگام حسن پیما زیاد دوام نیاورد، بعد از این واقعه در سال ۱۳۲۰ عکاسی آیریا را تأسیس نمود.

آیریا به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و برای پیشرفت و تکامل در زمینه عکاسی علاوه بر کار تجربی، به مطالعه کتاب‌های مرتبط با عکاسی مانند کتاب

* کارشناس ارشد جغرافیا و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

محمدحسن که اثر قریحه و استعداد هنری سرشار برخوردار بود، با حمایت برادرش ابتدا به عنوان بردست و کمک کار وی مشغول به کار شد، تا اینکه توانست به عنوان کتیبه‌نویس و طراح نقوش سنتی آستان قدس رضوی مشغول به کار شود. او در ابتدا به صورت قراردادی با حقوق روزانه دو هزار (دو ریال) کار می‌کرد (همان: ۷) که پس از سالیانی به استخدام رسمی آستان قدس رضوی درآمد (همان: ۲۹).

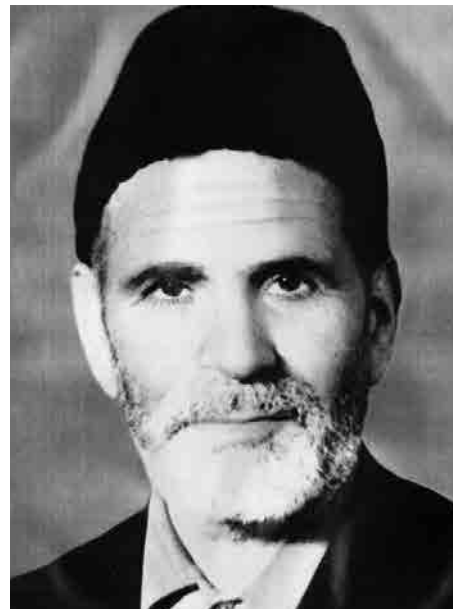
وی در طول خدمت در آستان قدس رضوی با شور، اخلاص و تعهد به چنان تجربه و رتبه‌ای اثر استادی دست یافت که امروزه در تحلیل‌های هنری از وی به تجلیل فراوان یاد می‌شود؛ از این رو درباره‌اش گفته‌اند: «از میان استادان بزرگ زمان، می‌توان از حاج محمدحسن بیوکی رضوان (ره) نام برد که مادر گیتی، هنرمندی چون او دیگر نزیاد. استادی که از شروع کاشی‌کاری معرق دوسران تیموری تا امروز به واقع کسی هم‌تراز او در دست کشش طرح و مکتب بسیار غنی نقش، وجود نداشته است و شاید هم دیگر کسی به وجود نیاید» (زمرشیدی: ۸).

در این که وی چه زمانی به خدمت آستان قدس رضوی در آمده، اطلاعی در دست نیست، ولی به استناد گفته فرزند بزرگش، محمدرضا بیوکی، در مصاحبه با خبرنگار نشریه کیهان فرهنگی در سال ۱۳۶۳ ش. «... [پدرم] حدود ۴۷ سال قبل به آستان قدس آمده و مشغول کار شدند» (بیوکی: ۴۳) این گونه برداشت می‌شود که محمدحسن بیوکی در حدود ۲۸ سالگی به توفیق خدمت در آستان قدس رضوی دست یافته است. البته همو در مصاحبه دیگرش با مرکز اسناد شفاهی آستان قدس، سن ورود پدرش را به آستان قدس رضوی، ۲۵ سالگی می‌داند (بیوکی: ۲). «[وی] قبل از اینکه در خدمت آستان قدس درآید در خیابان تهران، واقع در مشهد با برادران پیراسته و مرحوم ارژنگ، نگارستانی تشکیل داده بودند و بیشتر در منازل کار می‌کردند» (بیوکی: ۴۳). همچنین برای مدتی در خیابان شاه‌رضای سابق [آزادی] مغازه داشته است (بیوکی: ۲۶). وی با ورود به آستان قدس، طرح‌ها و کتیبه‌های فراوانی ارائه داد. اثر این رو در طول سالیان خدمتش، پایه‌گذار مکتبی استوار و هنری گردید. «مکتب او چه اثر نظر انواع متون، ابداع اسلیمی‌ها و خلق انواع ختایی‌ها، و چه از حیث نقش افزونی‌های نو، بسیار زیبا، با فلسفه، شورانگیز و چشمگیر در قالب هنرهای سنتی و با اصالت کاشی‌کاری معرق و چه در زمینه انواع خطوط به خصوص خط کوفی و ثلث، بسیار پخته، با قاعده، بسیار عمیق، گسترده و کامل بود...

محمدحسن بیوکی رضوان

کتیبه‌نویسی به وسعت آفتاب
(۱۲۸۸-۱۳۶۳ ش)

محمدحسن پاکدامن*



محمدحسن بیوکی، مشهور به «رضوان» فرزند محمدرضا اثر هنرمندان، کتیبه‌نویسان ممتاز و قاریان برجسته قرآن سده چهاردهم هجری است. اصالتاً یزدی (اینانلو: ۱۱) و پدرش از ساکنان آن شهر بود (بیوکی: ۳). اطلاعی در دست نیست که خرادگاهش یزد یا مشهد، بوده است (همان: ۳). سال تولدش را ۱۲۸۸ ش. نوشته‌اند (صفری: ۸۹). در هفت سالگی با نظارت و سرپرستی برادر بزرگش، مرحوم احمد معمارآستانه، دوران ابتدایی تحصیل خود را آغاز کرد (اینانلو: ۱۱). تحصیلاتش تا ششم ابتدایی بود (بیوکی: ۱۴). بیوکی فامیل شناسنامه‌ای وی بود (همان: ۴) و چون شعر می‌گفت، به تخلص شاعری‌اش (رضوان) مشهور بود (همان: ۳).

* پژوهشگر گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

نقش‌های کاشی معرق به یاسری ذوق هنری و اخلاص به خداوند و پیامبر و ائمه طیبین و طاهرین، آثاری آفریدند که هرگز دیگر مانند آنها آفرینش نخواهد شد. [آثارهنری] استاد بیوکی و شاگردانش از بارگاه حضرت رضا(ع) به سایر مکان‌های متبرکه مقدسه، مسجدها و مدرسه‌های روزگار ما به خصوص بارگاه احمد بن موسی(ع) در شیراز گسترش یافت» (زمرشیدی: ۹).

محمدحسن بیوکی رضوان از نوجوانی در سرودن شعر، طبیعی روان داشت. وی کتاب تجویدش را به صورت شعر در وزن شاهنامه فردوسی در دو بیت بیت سرود (صفری: ۹۶ - ۱۰۲). همو اشعار فراوانی را در مدح امام عصر(عج) و دیگر اهل بیت (علیهم السلام) سرود که متأسفانه هنوز به صورت تدوین شده انتشار نیافته یا اثر بین رفته‌اند (بیوکی: ۱۹). اخیراً به کوشش مجید غلامی جلیسه، یکی از قدیمی‌ترین متن‌های چاووشی‌نامه انتشار یافته است. شاعر بیشتر بخش‌های این چاووشی‌نامه مشخص نیست، اما بخشی از این کتاب، سروده مرحوم محمدحسن بیوکی، متخلص به رضوان است. محتوای دیجیتال این نسخه در حال حاضر در کتابخانه دیجیتال بیاض ثبت شده و اصل آن در کتابخانه مسجد اعظم قمر موجود است. این کتاب به اهتمام مجید غلامی جلیسه در ۳۲ صفحه به شمارگان یک‌هزار نسخه از سوی انتشارات عطف روانه بازار شده است (خبرگزاری کتاب ایران).

بیوکی هنگام مرگ ۷۵ سال داشت و به علت عارضه ناشی از دیابت درگذشت» (اینانلو: ۱۲). تاریخ وفاتش ۱۳۶۳/۹/۱۰ بود و بدنش در صحن مطهر آزادی حرم رضوی، بلوک ۳۷ دفن گردید (صفری: ۸۹). وی که در زندگی پربارش تحسین اهل هنر را برانگیخت بر سنگ مزارش نوشته‌اند: «آرامگاه ابدی قبله اهل هنر» (همان: ۹۶).

منابع:

- صفری زرافشان، محمد علی. (۱۳۸۶). تجوید منظوم قرآن. چاپ اول. مشهد. علی زاده.
- بیوکی، محمد رضا. مدیریت امور اسناد و مطبوعات آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی. مصاحبه. در تاریخ‌های: ۱۳۸۴/۱/۲۸ و ۱۳۸۴/۲/۳۰. پرونده شماره ۲۲.
- زمرشیدی، حسین. دوره‌های شکل‌گیری کاشی‌کاری معرق در بناهای ایران. رشد آموزش هنر. شماره ۸. زمستان ۱۳۸۵ ش.
- بیوکی، محمد رضا. کیهان فرهنگی. ش ۹، آذر ۱۳۶۳ ش. مصاحبه.
- اینانلو، جهان. بزرگداشت دو هنرمند فقید آستان قدس آفته و رضوان. خبرنامه مرکز خراسان شناسی آستان قدس رضوی. ش ۱۴، خرداد ۱۳۷۹ ش.
- زحمتکش، غلامعلی. مصاحبه حضوری ۱۳۹۲/۱۰/۲۰ خبرگزاری کتاب ایران. ۱۳۹۲/۱۱/۹.

این استاد فرزانه و بس هنرمند، مکتب تیموری و صفویه را به سرحد کمال مطلوب و اوج رسانید» (زمرشیدی: ۸). « برای مثال می‌توان از کتیبه‌های دالر الذکر و سردر موخره و گنبد اللهوردیخان نام برد که استاد، بیش‌تر به گنبد اللهوردیخان افتخار می‌کردند و علاقه خاصی به آن داشتند» (بیوکی: ۴۳). از دیگر آثارشان می‌توان به طراحی‌های منقوش بر کاشی‌های شاهچراغ، اصفهان و کربلای معلی اشاره کرد. علاوه بر طراحی کاشی که رشته اصلی کارش بود، کتیبه‌نویسی و نقاشی به شیوه پردازی را هم به خوبی می‌دانست و چند تابلو آبرنگ باقی‌مانده از وی، تسلط او را در کار نقاشی می‌رساند، علاوه بر این‌ها حجاری و کنده‌کاری روی چوب هم می‌کرد (اینانلو: ۱۱-۱۲).

محمدحسن بیوکی قبل از آن‌که شخصیت هنری‌اش به شهرت برسد، در سن ۲۰ سالگی پس از سال‌ها آموختن اثر محضر استاد القراء حاج محمد عرب زعفرانی، خود به مقام استادی رسید و کتاب «لؤلؤئه الرضوان فی قرائه القرآن» را براساس کتاب منتخب التجوید استادش سید محمد عرب زعفرانی به چاپ رساند (صفری: ۱۰۶). در ابتدا معمم و در لباس روحانیت بود ولی بعدها با محاسنی معمولی و کلاهی پوستین به رنگ سیاه در همه جا حاضر می‌شد (بیوکی: ۲۵).

وی در هر دو رشته قرآن و کتیبه‌نویسی شاگردان فراوانی را تربیت کرد. «در تربیت قاریان قرآن نقش بسیار مؤثری ایفا می‌نمود؛ چنانکه بیش از بیست نفر از شاگردان برجسته ایشان به تشکیل جلسه‌ای جداگانه مبادرت ورزیده‌اند» (صفری، ۹۵). فردی بردبار بود و در شیوه آموزشی‌اش «اگر کسی قرآن را غلط می‌خواند اول آیه‌ای که آن شخص غلط خوانده بود تلاوت می‌کرد و اگر طرف متوجه اشتباهش نمی‌شد، با محبت تذکر می‌داد... با آن همه فضیلتی که داشت هیچ‌وقت اظهار فضل و برتری نمی‌نمود؛ هرگز اثر خودش تمجید و تعریف نمی‌کرد؛ هیچ وقت با صدای بلند نمی‌خندید.» (همان، ۹۶).

در آموزش هنر و کتیبه‌نویسی نیز به دیگران دریغ نمی‌کرد. «این وجود ارزشمند، شاگردانی چند، از جمله فرزند هنرمند خود را [مرحوم محمد رضا بیوکی، ۱۳۱۸ - ۱۳۸۵ ش.] در آستان مقدس رضوی پرورش داد که آنان با استفاده از عناصر فراوان و گوناگونی چون: اسپر سازی‌ها، کتیبه‌سازی‌ها، پشت بگل‌سازی‌ها، نقش‌اندازی در کاشی‌کاری زیر دوره‌ها، طاق‌ها، رواق‌ها، زیرگنبدخانه‌ها، غرفه‌ها، ایوان‌ها، صفاها و همچنین رسمی‌بندی‌ها، کاربندی‌ها، یزدی بندی‌ها، طاسه‌سازی‌ها و بسیاری دیگر خصوصاً در کتیبه‌سازی و